



## بزک کنندگان آمریکا دانشگاه را با آرایشگاه اشتباه گرفته اند!

مدعیان اصلاحات که جنبش دانشجویی را حرف مفت می‌دانند و به سواری رایگان گرفتن از موج‌های دانشجویی شهره‌اند، در مراسم‌های روز دانشجو باز هم مهمان برخی دانشگاه‌ها شدند تا از این فرصت برای بزک آمریکا و پادوهای داخلی آن استفاده کنند.

### گزارش خبری تحلیلی کیهان

## بزک کنندگان آمریکا دانشگاه را با آرایشگاه اشتباه گرفته اند!

مدعیان اصلاحات که جنبش دانشجویی را حرف مفت می‌دانند و به سواری رایگان گرفتن از موج‌های دانشجویی شهره‌اند، در مراسم‌های روز دانشجو باز هم مهمان برخی دانشگاه‌ها شدند تا از این فرصت برای بزک آمریکا و پادوهای داخلی آن استفاده کنند.

در نیمه آذر سال 1332 و تنها چند ماه پس از کودتای آمریکایی-انگلیسی آژاکس، لندن روابط خود را با رژیم پهلوی از سر گرفت و ریچارد نیکسون معاون رئیس جمهور وقت آمریکا اعلام کرد به تهران خواهد آمد. دانشجویان در اعتراض به این تحولات اقدام به تظاهرات کردند. اعتراضی که پاسخی جز گلوله نداشت و سنگفرش دانشکده فنی دانشگاه تهران به خون دانشجویان احمد قندچی، آذر (مهدی) شریعت‌رضوی و مصطفی بزرگ‌نیا آغشته و فرش قرمز معاون رئیس جمهور آمریکا شد. فردای آن روز نیکسون به ایران آمد و دکترای افتخاری در رشته حقوق را در دانشگاه تهران که در اشغال مشهود نیروهای نظامی بود، دریافت کرد!

کمتر کسی پیش بینی می‌کرد چند دهه پس از اتفاقاتی که منجر به پایه گذاری روز دانشجو شد، کسانی پیدا شوند که با گستاخی تمام در سالروز شهادت دانشجویانی که خون خود را برای مبارزه با استعمار و استکبار نثار کردند، چهره کریه آمریکا و آلت دستهای داخلی آن را بزک کنند!

در حالی که انتظار معقول و بجا آن است که متولیان دانشگاه و دست اندرکاران روز دانشجو، 16 آذر را به روز افشای جنایات استکبار و بیداری دانشجو به عنوان پرچمدار ظلم ستیزی و عدالت طلبی تبدیل کنند، روز گذشته برخی از دانشگاه‌های کشور شاهد حضور و سخنرانی افراد و جریاناتی بود که نه تنها در این مسیر گام بر نمی‌دارند بلکه نعل وارونه زده و با تبدیل دانشگاه به آرایشگاه، اقدام به بزک آمریکا کردند.

در تهران ابراهیم اصغرزاده به دانشگاه تربیت مدرس رفت تا یک بار دیگر از گذشته انقلابی خود اعلام پشیمانی و برائت کند. وی که پیش از این از آمریکا به دلیل تسخیر لانه جاسوسی عذرخواهی کرده و از این حرکت اعلام پشیمانی کرده بود، در دانشگاه تربیت مدرس به بهانه حادثه اسیدپاشی در اصفهان و یک درگیری در زندان رجایی شهر، از اینکه انقلاب اسلامی سال 57 به رهبری روحانیت رخ داده است اعلام پشیمانی کرد!

در دانشگاه علامه طباطبایی نیز علیرضا محبوب از یکی از سران فتنه حمایت کرد و مدعی شد آرمان وی قانون بوده و مشکلات کشور ناشی از بی‌توجهی به این آرمان است. محبوب اشاره نکرد این چه آرمانی است که حماسه بیش از 40 میلیونی انتخابات 88 را متهم به تقلب می‌کند، در جمع‌های پشت پرده می‌گوید تقلبی رخ نداده و جرات ندارد همین اعتراف را عمومی کند؟! همچنین مصطفی معین که به اراک رفته بود در دانشگاه این شهر به ایراد سخنرانی پرداخت. مسئولین دانشگاه با اختلال در تلفن‌های همراه و کنترل شدید ورود و خروج دانشجویان به سالن مراسم، جوی شدیداً امنیتی ایجاد کردند.

معین که پایه گذار ستاره‌دار کردن دانشجویان است در سخنانی درخصوص حصر سران فتنه مدعی شد آنان زحمت کش و به فکر مردم هستند و بعد از انتخابات باید به اسم آشتی ملت و دولت، حصر برداشته شده و به وحدت برسیم!

معین توضیح نداد این چه نوع زحمت کشی و فکر برای مردم است که ماه‌ها کشور را دچار آشوب و اغتشاش کرد، رای آنها را نادیده گرفت و با شعار «انتخابات بهانه است، اصل نظام نشانه است» مجری دستور العمل بیگانگان برای براندازی نظام بود! و اساساً مردم چگونه می‌توانند به پادوهای داخلی آمریکا اعتماد کرده و با آنها به وحدت برسند؟!

محمدرضا عارف هم که به دانشگاه صنعتی شریف رفته بود، در حمایت از فتنه آمریکایی-انگلیسی-اسرائیلی، رفع حصر سران فتنه

را وعده دولت یازدهم عنوان کرد و ابراز امیدواری کرد روحانی در مراسم 16 آذر اخبار خوشی در این زمینه بدهد! عارف گفت روزی مواضع خود را درقبال حوادث سال 88 و حصر سران فتنه اعلام خواهد کرد. در این مراسم کلیپی از سران فتنه نیز پخش شد.

علی مطهری هم که مهمان دانشگاه علامه بود مواضع سابق خود درباره سران فتنه را تکرار کرد و بدون توجه به نسبت سهم عوامل مختلف در شکل گیری فتنه 88 و جنایت و جرائم آشکار سران فتنه، خواهان حل موضوع حصر از طریق گفت و گو شد! سواری رایگان از جنبشی که حرف مفت است!

نکته قابل توجه و تامل در این میان آن است که تقریباً تمامی این افراد (به جز مطهری آن هم به صورت گذرا) در سخنان خود هیچ اشاره‌ای به پیشینه و ریشه تاریخی روز دانشجو نکردند که البته از مدعیان اصلاحات چنین برخورد و استفاده ابزاری از دانشجو و دانشگاه هیچ جای تعجبی ندارد. اصلاح طلبان در دوران 8 ساله خود، دانشجویان را به واسطه روحیه جوانی و هیجانی، ابزاری برای پیشبرد اهداف سیاسی خود می‌دیدند که اوج این سوءاستفاده و نگاه ابزاری در فتنه 18 تیر سال 78 خود را نمایان کرد و در نهایت سعید حجاریان به عنوان تئوریسین جریان اصلاحات اذعان کرد از نگاه این طیف؛ جنبش دانشجویی حرف مفت است!

پس از دوران اصلاحات، سازمان ادوار تحکیم وحدت در تحلیلی با عنوان ( گام بزرگ جنبش دانشجویی ) با مرور «سواری رایگان» اصلاح طلبان بر روی موج‌های جنبش دانشجویی نوشته بود: دولتی‌ها و مجلسی‌های اصلاح طلب علاوه بر اینکه هیچ توجهی به خواسته‌های دانشجویان نکردند بلکه سعی نمودند تا حوزه کنترل دانشجویان را به تصرف خود درآورند. آنها با تصویب قوانین جدید و سپردن اختیارات به کمیته‌های انضباطی و حراست دانشگاه‌ها تلاش کردند فشار مضاعفی را به دانشجویان وارد کنند.

مدعیان اصلاحات برخلاف ادعاهای خود مبنی بر احترام به مخالف، دفاع از آزادی بیان، قانون‌گرایی و... در طول دوره حیات خود نشان داده‌اند عملاً هیچگونه پایبندی به این شعارها ندارند و در مراسمات دانشجویی نیز با هوچی گری و جنجال سعی دارند وانمود کنند فضای دانشگاه را در دست دارند و سایرین در اقلیت محض هستند. دعوت از پادوی قدیمی آمریکا!

اما این تمام ماجرا نیست. امروز و همزمان با روز دانشجو، دانشگاه تهران در اقدامی عجیب و قابل تامل از ابراهیم یزدی برای مراسم 16 آذر دعوت به عمل آورده است. آن هم با عناوینی مانند مشاور امام(ره)!!

در حالی که اعضای نهضت آزادی علناً و حتی تا به امروز همیشه از لفظ آقای خمینی(ره) استفاده کرده‌اند و هیچگاه عنوان امام را برای بنیانگذار فقید انقلاب استفاده نکرده‌اند، استفاده از چنین عنوانی، منافقانه و ریاکارانه است و از نفوذ جریان ضدانقلاب نهضت آزادی - که امام انحراف آنان را خطرناک‌تر از دیگر دشمنان انقلاب دانسته- در مجموعه وزارت علوم و آموزشی حکایت دارد.

کارنامه نهضت آزادی، کارنامه تاریخی با لکه‌های سیاه فراوان است. نهضت آزادی علیرغم اعتماد امام در سال‌های اولیه انقلاب نه تنها نتوانست خود را با انقلاب همراه کند، بلکه با توطئه‌های فراوان علیه انقلاب، در سالهای بعد از استعفای دولت موقت، کار را به جایی رساند که امام در سخنرانی علنی و در دوران حیات رهبر اصلی این جریان یعنی مهندس بازرگان اعلام کند: «والله قسم، من با نخست‌وزیری بازرگان مخالف بودم.»

بازرگان اگرچه خود تصریح کرده بود که به هیچ وجه انقلابی نیست و تمایلی به رفتن شاه ندارد، و حتی در دیدار با امام در مهر 57، گفته بود: «آقا! ایران سه رکن دارد: شاه، ارتش و آمریکا. شما می‌گویید شاه برود، اولاً کجا برود؟ شاه رفتنی نیست، به فرض برود، با آمریکا و ارتش چه می‌کنید؟ فکر دو رکن دیگر را کرده‌اید؟».

در واقع او به عنوان یک مصدق، اعتماد به نفس اداره حکومت و مملکت داری بی‌اذن و دخالت آمریکا را نداشت. اگرچه خیلی‌ها بازرگان را یک موحد مسلمان تلقی می‌کردند، اما در حقیقت او به کدخدایی آمریکا بیش از مصدق اعتبار می‌بخشید و اعتماد داشت.

بیراهه نیست اگر او را مصداق این جمله امام دانست که «آنها که خواب آمریکا را می‌بینند، خدا بیدارشان کند». بازرگان در حمله‌ای صریح به دانشجویان خط امام بی‌ادبانه آنان را «بی‌شرف»، خطاب می‌کند و طی یک سخنرانی در مسجد نارمک می‌گوید: «...اسم خودشان را می‌گذارند خط امام. خط شیطانند اینهایی که افشا می‌کنند. فلان فلان شده‌ها. بی‌شرفند اینهایی که می‌گویند ما با آمریکا راه کج رفته‌ایم!»

حال دعوت از عضو چنین جریانی که سرکرده آنان سال‌ها پیش دانشجویان انقلابی را اینگونه توهین آمیز خطاب کرده بود، چه معنایی دارد و آن را باید نشانه کدام نفوذ و انحراف دانست. امام‌راحل می‌فرمود هر چه فریاد دارید بر سر آمریکا بکشید، حال باید دید امروز این مشاور ساختگی ایشان درباره آمریکا چه خواهد گفت! شاید هم دانشجویان مومن و انقلابی اجازه ندهند پادوهای آمریکا خود را به نام مشاور امام(ره) جا زده، در دانشگاه نفوذ کرده و اصلی‌ترین دشمن امام و انقلاب را بزرگ کنند و البته از سوی بی‌بی سی و رسانه‌های زنجیره‌ای داخلی و برخی مسئولین غافل، به افراطی گری نیز متهم شوند!